محمد یحی واثق 2018-03-02

چکیده یی از گندیدگیهای شیطانی ایران و پاکستان در کشورم

بخش ششم

گفته اند از ماست که بر ماست.

واقعیت های عینی روند سیاسی و نظامی و همه دستاورد های شرم آور و شوم آن که اکثر شما درمدت 38 سال با پوست، گوشت و استخوان آنرا هم لمس کرده اید، آنقدرزیاد، مملو از توطئه ، دسایس و شعبده بازیهای سیاسی و تبلیغات زهراگین و مغشوش کننده است که اکثرآن در افکار ما مدفون گردیده و فراموش ما شده که اینخود اکثرنسل جوانرا در ابهامات و تاریکی های قضایای مغلق و پیچیده طوری قرار داده که آنها با وجود تلاشهای زیاد نه تها درپیدا کردن راه حل قضایای اصلی کشوردست آوردهای چندانی داشتند، بلکه خود ناآگاهانه درگیر و دارهای مذهبی، تباری و لسانی قرار گرفته و نتوانستند تا کاریرا در راه منافع ملی انجام بدهند.
با درنظرداشت گفتار فوق من تا حد توان فکری، دانش سیاسی و چشمدید های اضافه از 50 ساله از وقایع سیاسی کشور با حفظ عفت قلم و با درنظرداشت احترام به کرامت انسانی، دور از هر نوع تعلقات و تعصبات مذهبی، تباری، لسانی و پیوند های سیاسی با یک دید وسیع و همه جانبه به قسم یک امانت قضایای نا هنجار کشور را ازلابلای حوادث شرم آور38 سال گذشته به اصطلاح بیرون کشیده گرد وغبارآنرا با دلایل مقنع و شواهد عینی صیقل داده و در مقابل شما هموطنان گرامی و مخصوصاً نسل جوان این آینده سازان کشور قرار میدهم.

و اینرا به صراحت تذکرمیدهم که این نگارش و بازنگری قضایای کشور به هیچ وجهه بخاطر حس انتقام جوئی صورت نگرفته، مقصد این بازنگری کوبیدن یکی از جناحهای در حال درگیر قضایای کشور و دفاع از جناح دیگرنمیباشد، و هدف این نگارش نه خائن نامیدن و قهرمان ملی گفتن افراد و اشخاص بوده و نه پخش و ایجاد فضای غرض آلود و تفرقه افگنی های مذهبی، تباری و لسانی میباشد، بلکه هدف فقط استفاده از تجارب تلخ و منفی گذشته در پیدا کردن یک راه حل علمی و عملی به منظور بیرون رفت ازین همه بدبختی هایکه دامنگیر حال ملت و کشور ما گردیده میباشد.

موضوع دیگر را که میخواهم تذکر بدهم اینست که:

حوادث دلخراش و فجایع شرم آور روند سیاسی و نظامی کشور ما در 38 سال به هیچوجهه تصادفی نبوده، موضوع قسمت، نصیب، تقدیر و اشتباه در میان نیست، بلکه تمام حوادث دلخراش خورد و بزرگ حتی روابط و مناسبات فامیلی ما یک پلان بسیار خائنانه و خطرناک بوده که اساس آن طورایکه **در** بخش های قبلی تذکر رفته توسط دو همسایه نا بکار ما ایران، پاکستان به شمول عربستان سعودی میباشند که تهداب اصلی آن سالها قبل از فاجعه ثور 57 گذاشته شده بود.اینکه یکعده از هموطنان ما به نام آگاهان و تحلیل گران سیاسی، نخبگان و دانشمندان کشور بعضاً طور آگاهانه و دستوری وعده ای دیگری به اصطلاح غرض رفع زحمت و تلاش و شانه خالی کردن از کارهای رضا کارانه، میخواهند تا حل قضایای کشور، تفکیک دسایس، شناخت دشمن و خلاصه همه ناهنجاریهای شرم آور روند سیاسی و نظامی کشور را با ارائهٔ چند کلمه و یا چند جمله شعارگونه و کلیشه ئی که اکثراً بنابرمسائل مذهبی، تباری و لسانی صورت مگیرد ناممکن قلمداد نمایند و خود را با دلایل گوناگون بری الذمه نشان دهند.اینها بایدبدانندکه نه تنها نزد اکثریت ملت مسؤول و جوابده هستند، بلکه این عملکرد های ایشان به قسم یک جرم در تأریخ کشورثبت گردیده و مورد خشم و انزجار نسلهای آینده قرار میگرد. زیرا امروز علماء و دانشمندان علوم اجتماعی ناممکن بودن مسائل زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بشر را از میان برداشته اند و ما میبینیم که مغلق ترین و پیچیده ترین معضلات سیاسی، نظامی و اجتماعی در کشورهای مختلف با روشها و میتود های مختلف حل گردیده و از بین رفته.
همان قسمیکه برای دریافت و یا حل یک قضیه ای مجهول و یا کشف یک ماده یا عنصرجدید در علم ساینس علماء از فورمول، معادلات و تعاملات کیمیاوی استفاده مینمایند، به همان قسم درعلوم اجتماعی منجمله مسائل سیاسی علما هم با روشهای خاصی موفق گردیده اند که هرگاه اسناد تحریری در مسایل اجتماعی و یا سیاسی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بدست نیاید، شواهد عینی هم برای اثبات موضوع مؤثر میباشد. و اگر احیاناً در اسناد شواهدعینی تناقص دیده شود، آنوقت به عقل سلیم ومنطق برهان خویش رجوع و حوادث مختلف را جمع آوری کرده و منطقاً انهارا پهلوی هم گذاشته تا بتواند به تصور قرین به واقعیت راه پیدا نماید، و همین تصور را فرضیه قرار داده و در راه ثبوت آن تلاش و تجسس کرده تا موضوع مورد نظر را بکلی حل نماید. اما شما خود ملاحظه مینمائید که در کشور ما نخبگان و دانشمندان به نام تحلیلگر، اگاه أمور سیاسی، جورنالست، لیدر و رهبر حزب و تنظیم، قوماندان جهادی، گروه مقاومت، رهبران ملی، و الی منطقه، وزیر، بالاخره رئیس جمهور، امیر و خلیفه و صد ها نام های فریبنده دیگر یک اقلیت فرزندان ناخلف و فروخته شده مادروطن از اقوام مختلف کشور شامل گروه های چپ و راست، دیموکرات، تکنوکرات و تحصیلکردگان کشورهای غربی و ملیگرایان که تعداد شان به تناسب نفوس کشور فیصدی نه داشته و به تناسب تحصیلکردگان کشور پنج فیصد هم نمی شوند در مدت 38 سال سرزمین ما را به ماتم سرا مبدل کرده و به خاطر منافع حامیان خارجی شان در نابودی ملت و انهدام کشور ما هیچ نوع ذلت، خواری، وطنفروشی، تملق و چاپلوسی وده ها پدیده پلیت دیگر را برعلاوه ایکه شرم، خجالت و خیانت نه پنداشتند، بلکه آنرا مایه افتخار وغرور ملی و جز فرهنگ سیاسی شان میدانند.
اینها که ظاهراً به نام دفاع و نجات ملت، یا به خاطر منافع امریکا و یا اهداف شوروی در رأس مبارزات ملت ما از خارج کشور تحمیل گردیده بودند، با اعمال شان ثابت کردند که اینها برعلاوه ایکه در فکر دفاع و نجات ملت نبوده، منافع ملی، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی برایشان ارزشی نداشته، بلکه به مقدسات اسلامی، سنن ملی، نورم های قبول شده منشورملل متحد ، حقوق بشر و ده ها حقوق فردی و اجتماعی حتی عفت زنان پاک دامن افغان پشت پا زده و صرف به خاطر غضب قدرت و جمع آوری سرمایه در خدمت کشورهای چون سعودی، قطر، ترکیه، روسیه و دو همسایه ای نابکار و دشمن دیرینه ما چون ایران و مخصوصاً پاکستان قرار گرفتند تا اهداف آنها را در کشور ما به پایه اکمال برسانند.
حال با استفاده ازروشها ومیتودهای ایکه در فوق تذکرداده شد به کمک و همکاری شما خواهران و برادران ارجمند در قدم اول همه دسایس، توطئه ها، روشها و تکتیک های تخریبی کشورهای بیگانه را از لابلای حوادث ناگوار روند سیاسی و نظامی کشور کشیده و از تحارب تلخ و نتائج منفی آن بصورت منطقی استفاده کرده و ملاحظه نمایم که تا چقدر عدم تجارب سیاسی، ندانم کاریها، بی تفاوتی ها، خاموشی ها و مخصوصآ عدم داشتن یک خط فکری ملی و یک رهبری واحد چطور اکثریت ملت به خصوص اکثر قشر روشنفکر کشور آگاهانه و نا خواسته زمینه های رشد و گسترش دسایس کشورهای بیگانه مانند ایران، سعودی و خصوصآ پاکستان را درکشور ما فراهم ساختند.
پس حالا چطور و به کدام طریق میتوانیم از تجارب تلخ گذشته استفاده کرده و از تکرار اشتباهات قبلی ما جلوگیری نموده تا بتوانیم در پیدا کردن یک راه حل اساسی همه این ناهنجاری های دلخراش کشور موفق گردیم.
بنابرآن در بخش های گذشته در مورد همه ناهنجاری های کشور صحبت گردید. حال قبل از اینکه به صحبت هایم ادامه بدهم بیائید یکبار فاجعه 7 ثور 57 و آغاز مبارزات ملت را در مقابل چشمان خود مجسم بسازیم که ملت چه میخواست و بالاخره چه شد؟
ملت و مخصوصاً این رهبران پوشالی و ساخته شدۀ بیگانه چه اعمال را باید انجام نمی دادند که دادند ؟
کشور های همسایه بنابر حسن همجواری و به حیث کشورهای مسلمان و داشتن فرهنگ مشترک چه کمک کرده میتوانستند که نکردند؟
نخبگان، دانشمندان، رجال برجسته، آگاهان سیاسی، لیدران و پیروان سائر جریانات سیاسی افغان مقیم کشورهای غربی چه رسالت و مسؤولیت های داشتند که انجام داده نتوانستند؟
حال بیآید تا به خاطر دریافت واقعیت های عینی قضایای سیاسی و نظامی کشور خویش از همان روشها و میتود های علوم اجتماعی که در فوق ذکر گردید استفاده نمایم و ببینیم که مشکل در کجا بوده و در یابیم که چه قسم تهداب مبارزات مردم ما درآغاز کج مانده شده بود که امروز تا ثریا کج میرود؟
اینرا همه میدانیم که ملت افغان در آغاز فاجعه 7 ثور57 در مقابل ظلم، استبداد وخودکامگی های دولت دست نشانده و حامی خارجی شان در هرگوشه و کنار کشور شجاعانه به مبارزه پرداختند اینراهم میدانیم که اکثر کشورهای جهان از ملت افغان حمایت و کمک های مادی و نظامی نمودند، و کشورهای ایران وپاکستان به حیث دو کشور همسایه و مسلمان سرحدات شانرا به روی افغانها باز گذاشته و از مهاجرین افغان استقبال کردند.اینراهم

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

میدانیم که دولتها، مؤسسات خیریه حتی ملتهای اکثر کشورهای جهان کمک های وافر بشردوستانه ای مالی را برای مهاجرین افغان در پاکستان آغاز کردند.
برای ملت افغان اینهم روشن است که رهبران تنظیم های افراطی 7 گانه 8 گانه (بقایای جریان اخوانیزم دهه دیموکراسی) به حیث رهبران جهادی با کمک مالی و نظامی امریکا و متحدین آ ن در مبارزات علیه دولت دست نشانده شوروی نقش فعال داشتند.
ازهمه مهمتر میدانیم که هر کشور برای اتباع خویش و اتباع خارجی اصول، مقررات و قوانینی خاصی خود را دارند مخصوصاً با درنظرداشت روابط بین الدول و منشور ملل متحد میتوانند از هرنوع هرج و مرج و سوءِ استفاده اتباع خارجی در کشور شان جلوگیری نمایند. بدین معنی که هیچ تبعه ای خارجی در کشور میزبان خودسرانه و بدون مجوز و شرائط کشور میزبان فعالیت سیاسی کرده نمیتواند. پس با در نظر داشت گفتار فوق میتوان چنین گفت که:
در کشور ما بنابراصل افغانی و پیروی از نیاکان ما در صورت موجودیت دولت دست نشانده حق مسلم هر فرد افغان است تا به اندازه توان خویش از حقوق خود و منافع ملی کشور علیه آن مبارزه نماید، که بتأسی از آن ملت افغان شامل روحانیون وعلمای واقعی دینی، بزرگان و صاحبان رسوخ اقوام مختلف، رجال برجسته ملکی و نظامی، رهبران، لیدران و پیروان جریانات سیاسی دهۀ دیموکراسی و اکثریت روشنفکران و تحصیل کردگان بدون هرنوع تعلقات و تعصبات مذهبی، تباری، لسانی و پیوند های سیاسی در کنار ملت افغان شجاعان و با مورال بلند و با حماسه آفرین هایشان علیه دولت دست نشانده و حامی خارجی شان به مبارزه سرتاسری آغاز کردند. مسئله ایست غیر قابل انکار.
خوب هموطن گرامی حال اگر لیدران و رهبران تنظیم های 7 گانه و 8 گانه ساخته شدۀ ایران و پاکستان (بقایای جریان اخوانیزم دهۀ دیموکراسی) که زمانی یک جریان واحد بودند اختلافات سلیقوی خود را از خود دور میکردند و با استفاده از این اصل مبارزات سیاسی و نظامی که در مقابل دشمن بزرگ حتی از ضعیف ترین دشمنان خویش استفاده کرده و از همکاری های شان در راه نجات ملت استقبال می نمودند.
اگراینها با همه نیروهای آزاد و مستقل، سائر جریانات سیاسی دیگر با تشکیل یک جبهه متحد ملی و ایجاد یک رهبری واحد در مقابل دولت دست نشانده و تجاوز قوای اشغالگر شوروی به مبارزه می پرداختند؟
اگر دولتمردان ایران و مخصوصاً پاکستان با ملت افغان برخورد صادقانه نموده و مجاهدین افغان را کمک کرده و با استفاده از قوانین شان تنظیمهای گوناگون را در یک مرکز و رهبری واحد متمرکز و انسجام میدادند و دولت پاکستان اگر حداقل 30% از کمک های بشری جامعه جهانی به مهاجرین افغان را به دسترس افغانهای مهاجر و50% از کمکهای نظامی امریکا و متحدین آنرا در اختیار مجاهدین افغان میداد؟
اگرنخبگان، دانشمندان، اگاهان أمورسیاسی، رجال برجسته و شناخته شده ملکی و نظامی کشور لیدران و کدرهای سائر جریانات سیاسی مقیم کشور های غربی با درک از اوضاع سیاسی کشور، رسالت تاریخی و وظایف ملی شانرا با همکاری های همه جانبه در مقابل هرنوع ناملایمت های سیاسی مبارزه کرده و با یک لابیگری منظم، علمی و گسترده و با تهیه طرح های علمی واقعیت های عینی جهاد ملت را به گوش جهانیان میرسانیدند؟
و یا با براه اندازی های مظاهرات وسیع وتهیه قطعنامه های علمی با امضاء هزاران افغان در کشورهای غربی توجه سائرکشور های جهان و سازمان ملل متحد را در قبال قضایای کشور جلب مینمودند و به حیث یک نیروی سیاسی متعهد، منسجم و اکادمیک با طرحهای علمی در کنار تنظیم های 7 گانه و8 گانه در کشور های غربی عرض اندام میکردند؟ و خاصتآ اگر امریکا از پاکستان صرف منحیث پل ارتباط استفاده میکرد و همه ارتباطات خود را مستقیمآ با افغانها قائم میکرد، به یقین میتوان گفت که نه تنها مهاجرین افغان از زندگی خوبی در پاکستان برخوردار گردیده، اطفال افغان از بهره تحصیل محروم نگردیده و هزاران هزار جوان علاقمند و آماده مبارزه به صفوف مجاهدین پیوسته که این خود از ورود مجرمین خطرناک جنایی و افراطیون کشور های مختلف در صفوف مجاهدین جلوگیری نموده و هم باعث بلند رفتن روحیه سائر مجاهدین گردیده و در نتجه نه تنها باعث سقوط زود هنگام دولت دست نشانده و شکست قوای سرخ شوروی میگردید، بلکه افغانستان با داشتن یک رژیم مرکزی نیرومند و با ظرفیتهای علمی و کاری به قسم یک کشور مقتدر در منطقه عرض اندام میکرد.
پس چرا روند سیاسی و نظامی قضایای کشور ما با وجودی شکست قوای اشغالگر شوروی و محوکمونیزم همان قسمیکه در فوق تذکر داده شد بروفق و خواست ملت و توقع مجاهدین واقعی کشور پیش نرفت؟

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

پس اینجاست که میتوان گفت که جنایات اصلی و اساسی 38 سالهٔ ملت و کشور ما در همان آغاز فاجعه 7 ثور57 گره خورده بود نه در ده و پانزده سال اخیر، زیرا این سالهای اخیر مرحله بهره برداری اهداف شوم کشورهای فوق بوده که مراحل سروی و تنظیم آنطوریکه دربخش های گذشته تذکر دادم سالها قبل صورت گرفته بود.
طوریکه در بخش قبلی عرض گردید دولتمردان پاکستان از همان آغاز مقاومت ها و مبارزات ملت افغان در آن تلاش گردیدند تا دو توطئه و دسیسهٔ خبیسه ذیل را بسیار ماهرانه بالای ملت ما تطبیق نمایند.

1-تحمیل نا جایز و دراماتیک تنظیم های افراطی به حیث رهبران جهادی در رأس مبارزات ملت افغان.
2-فتوای مصلحتی، هدفمند و از قبل پلان شده هجرت که قبلاً در تاریخ مبارزات و مخصوصاً در موقع جهاد در کشور ما سابقه نداشته، بلکه عار و ننگ دانسته میشد.

ببینید که در چنان شرائط ایکه از یکطرف ظلم و استبداد در کشور ما به اوج خود رسیده بود تعدادی کثیری از هموطنان ما توسط اعمال دولت دست نشانده نیست و نابود گردیده و یا در زندان های مخوف تحت شکنجه و اذیت، آزار، تحقیر و تهدید دستگاه استخباراتی خاد و کی – جی – بی، قرار گرفته بود، از طرف دیگر ویرانی قصبات و شهر ها باعث فقر، بیچارگی و آورگی ملت شده بود این دو دسیسه و توطئه ظاهراً فریبنده نه تنها باعث دلخوشی، استقبال و علاقمندی ملت قرار گرفت، بلکه عدهٔ کثیری از نخبگان، آگاهان سیاسی، رجال برجسته ملکی و نظامی، دانشمندان، تحلیلگران و قلم بدستان کشور به حیث پیشقراولان جامعه فریب سیمای ظاهری این دو پدیده ای پلید را خورده و بدون عاقبت اندیشی دشمنی های دیرینه دو کشور نابکارهمسایه ما مانند ایران و مخصوصاً پاکستان را نادیده گرفته و فراموش کردند، و تا توانستند دولتمردان این دو کشور را در دورهٔ چارده ساله جهاد ستودند و در وصف رهبران تنظیم های افراطی ساخته شده ای آنها ناآگاهانه سرودن، خواندن، نوشتن، شعار دادند، به حیث رهبران جهادی آنها را احترام کردند و جالب تر آنکه تا توانستند انتقادات سالم، افشای عملکرد های تخریبانه دو کشور همسایه و مزدورمنشی های تنظیم های افراطی توسط عناصر آگاه، با درد و وطندوست کشور را با تهدیدات و تاپه زنی های رنگارنگ سرکوب کرده و آنها را در نطفه خنثی نمودند.
در نتیجه دولتمردان کشور های فوق مخصوصاً ضیاالحق با استفاده از چنان حالت آشفته و پراگنده سیاسی کشور ما موفق گردید تا از یک طرف نکات ضعف ما را شناخته و عناصر ضعیف النفس را به خاطر نابودی ملت و انهدام کشور ما به قسم آله های ابزاری در استخدام خود درآورده و از طرف دیگر توجه جدی خود را در متلاشی ساختن و برهم زدن دو عنصر شاخص و برجسته ملت ما(وحدت ملی و یک پارچگی اقوام درمقابل متجاوزین) معطوف گردانید.
جنرال ضیاء حاکم جبار پاکستان محافظین این دو عنصر را دست کم نگرفته بود اینها را بزرگترین دشمنان اهداف خویش و مانع بزرگ پلان های شوم خود میدانست. زیرا وحدت ملی و یکپارچگی اقوام ضامن تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال کشور بوده و حراست از این دو عنصر مقدس از جملهٔ وظایف افراد ملی، آگاه، روحانیون وعلمای واقعی دینی، بزرگان و صاحبان رسوخ اقوام، رجال برجسته، رهبران و اکثر لیدران و پیروان جریانات دههٔ دیموکراسی بودند که توانمندی شانرا در اوایل خزیشها و مقاومت های مردمی ثبت تاریخ نمودنند.
اما باتأسف ملاحظه گردید که این دیوار مستحکم چگونه به دستان ناپاک فرزندان ناخلف و فروخته شده ای مادر وطن در حال فروپاشی قرار گرفته و در صورت غفلت هر چه بیشتر شما فرزندان اصیل مادر وطن نسلهای آینده کشور شاهد فرو پاشی بدنه ای این دیوارعظیم و مستحکم این امانت نیاکان ما خواهد بود (که خدا نکند).

(ادامه دارد...)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ